

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۲

واکاوی روابط بینامتنی میان شعر «خاقانی» و قرآن کریم

(ص ۲۸۵-۳۰۴)

فرزانه ولی زاده خیرآبادی^۱، ایرج مهرکی^۲ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

چکیده

کتب دینی و مذهبی از مهمترین ساختمایه های شعری و از سرشارترین سرچشمه های اثرپذیری شاعران در بیان عواطف درونی و افکار و اندیشه های آنان است. از میان کتابهای دینی، قرآن کریم به دلیل اشتغال بر معانی و مفاهیم عمیق، واژگان غنی و خصوصیات برجسته هنری و ادبی در جایگاه والاترین منبع دینی الهام بخش برای شاعران و نویسندگان مسلمان قرار دارد، آن چنان که ایشان در شعر خود با کلام الهی ارتباط بینامتنی برقرار کرده و از این سرچشمه سرشار در سطوح گوناگون مفهومی، لفظی و اسلوبی بهره برده اند. خاقانی شروانی از جمله شاعرانی است که الفاظ و مفاهیم قرآن از اصلیتترین دستمایه های شعری او محسوب میشود. نتیجه مقاله پیش رو بیانگر آن است که رابطه بینامتنی با قرآن در قصاید خاقانی از بسامد بسیار بیشتری برخوردار است. از سوی دیگر رابطه بینامتنی اشاره ای و جزئی بیشتر از دیگر روابط بینامتنی مورد نظر خاقانی بوده است.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، خاقانی شروانی، رابطه بینامتنی، شعر.

^۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (farzaneh.s.1390@gmail.com)

^۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (i.mehr41@gmail.com)

۱- مقدمه

در آثار ادبی، کاربردهای قرآن و حدیث بسیار متنوع است و برداشتهای متفاوت از آیات و احادیث دیده میشود. گاهی هدف نویسنده القای معانی و بیان اندرز و حکم و پیام اخلاقی و اخبار و آگاهی است و گاهی گویندگان در آثار خود برای آرایه‌بندی و تزئین مطلب و هنرنمایی از قرآن و حدیث استفاده میکنند و گاهی تفکر و مبنای فکری و اعتقادی نویسنده وی را وادار میکند بدون نام و کلام حق زبان به سخن نگوید. با توجه به تنوع موضوعات و عبارات (هم لفظ و هم معنی) و تصویرسازیها و خیال‌پردازیهای خاقانی شروانی به نظر میرسد او به طرق گوناگون از آیات قرآنی بهره برده است. خاقانی شروانی در شمار شاعرانی است که روابط بینامتنی یا تناس با قرآن کریم در شعر او بسیار مشهود است.

۲- شیوه پژوهشی

شیوه کار در این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. در ضمن مطالعه دیوان کامل اشعار خاقانی به تصحیح ضیاء الدین سجادی، ابتدا شواهد مربوط به روابط بینامتنی بر اساس تعریفی که از آنها در این جستار آمده است، استخراج گردیده و سپس بر اساس بسامد آن موارد، دسته‌بندی و تنظیم شده‌اند.

۳- ضرورت تحقیق

آشنایی با اندیشه‌های هیچ شاعر و نویسنده‌ای بدون مطالعه آثار و درک تاثیر پذیری او از آثار پیش از خودش امکان پذیر نیست. خاقانی شاعری است که اثرپذیری او از قرآن و آیات و مضامین آن قابل انکار نیست. پس لازم است که شعر او از این دیدگاه مورد بررسی واقع شود و معلوم شود که آیا خاقانی در شعر خود روابط بینامتنی با قرآن داشته است؟ میزان این روابط چقدر است؟ بسامد کدام رابطه بینامتنی در شعر او بیشتر است؟

۴- پیشینه تحقیق

تا کنون پیرامون تاثیر آیات قرآن و احادیث و روایات بر آثار منثور و منظوم ادبیات فارسی پژوهشهای متعددی انجام گرفته است؛ از جمله کتاب در قلمرو آفتاب نوشته علی محمد موذنی (۱۳۷۳)، کتاب تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی اثر علی اصغر حلبی (۱۳۷۴) و کتاب

پژوهشی بر تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی به قلم حسین شهبازی (۱۳۹۰) و نیز چند مقاله پیاپی از سید محمد راستگو با عنوان تجلی قرآن در ادب فارسی که در نشریه بشارت چاپ شده است. درباره روابط بینامتنی در شعر خاقانی به طور اخص پژوهش جداگانه و مستقلی صورت نگرفته بلکه ضمن شرح و توضیح اشعار او گاه به این روابط بینامتنی نیز اشاره شده است. آثار زیر مصداق این نکته هستند: کتابهای مالک ملک سخن و ثری تا ثریا و خارخار بند و زندان و گنجینه اسرار و سحر بیان خاقانی که همگی تألیف عباس ماهیار هستند، دیوان خاقانی شروانی به تصحیح ضیاء الدین سجادی، خاقانی شاعری دیرآشنا تألیف علی دشتی، آتش اندر چنگ تألیف مهدی ماحوزی، ارمغان صبح تألیف نصرالله امامی، دیدار با کعبه جان تألیف عبدالحسین زرین کوب، سراچه آوا و رنگ تألیف میرجلال الدین کزازی، نگاهی به دنیای خاقانی تألیف معصومه معدن کن.

۵- انواع رابطه بینامتنی

با توجه به نوع نگرش و زاویه نگاه به متن حاضر (زیر متن - پسا متن) و مقایسه آن با متن غایب (زیر متن - پیش متن) رابطه بینامتنی از انواعی برخوردار است :

۱) خود آگاه و ناخودآگاه که از جهت میزان آگاهی و ناخودآگاهی شاعر و نویسنده به اخذ از پیش متن به متن نگریسته میشود.

۲) داخلی و خارجی که در این نوع بر اساس اخذ از آثار خود شاعر و نویسنده و یا آثار دیگران به متن نگریسته میشود.

۳) آشکار و پنهان که به میزان وضوح و ابهام رابطه بینامتنی میان پیش متن و پس متن بستگی دارد.

۴) موازی و معکوس که از زاویه همراهی و عدم همراهی متن حاضر با متن غایب به متن نگریسته میشود.

۵) بر اساس موضوع (متن غایب) پیش متن ، ادبی ، اسطوره ای ، تاریخی ، عامیانه و فولکلور ، دینی و ...

۶) از جهت فنی و هنری ، رابطه بینامتنی بر چند نوع است : کامل متنی ، کامل تعدیلی ، اسلوبی ، واژگانی ، الهامی ، اشاری ، جزئی ، چند سویه و ... (رک : تحلیل الخطاب الشعری

۱۹۹۲ م : ۱۱۹-۱۳۵ ، النص الغائب - تجلیات التناس فی الشعر العربی ۲۰۰۱ م : ۳۱). در
مقاله حاضر مورد اخیر از روابط بینامتنی مورد نظر است.

۵-۱- رابطه بینامتنی میان شعر خاقانی و قرآن کریم

۵-۱-۱- رابطه بینامتنی اشاره ای (تلمیحی)

در این نوع ، « شاعر کلام خویش را بر پایه داستان و یا رویداد و یا نکته ای از زیر متن (متن غایب) بنا مینهد و فقط به ذکر یک یا چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون میسازد ، اکتفا مینماید . به گونه ای که با الفاظی اندک ، معانی بسیاری به ذهن خواننده انتقال مییابد. » (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، ۱۳۸۵ : ۵۲). خاقانی در اشعارش به وفور از این شیوه بینامتنی در به کار گرفتن مضامین و رویدادها و مسائل قرآنی بهره برده که اشاره به داستانها و معجزات پیامبران پر بسامدترین آنها است. از آن جا که این نوع رابطه بینامتنی بالاترین بسامد را در شعر خاقانی دارد ، از میان نمونه های متعدد و متنوع موجود در دیوان او فقط یک مورد از هر داستان قرآنی بیان میشود تا هم موارد بیشتری ارائه شود و هم وسعت دانسته های قرآنی او آشکار گردد.

۱) حضرت آدم

عیسی از گفتار نا اهللی برآمد بر فلک
آدم از وسواس ناجنسی فرورفت از جنان
(دیوان خاقانی ، ص ۳۲۵-ب ۱۷)

اشاره به : بقره / ۳۶- واژه های اشاری : آدم ، وسواس ناجنس (شیطان) ، جنان.

شاعر در قصیده ای در جواب اشعار نجم الدین احمد سیمگر پس از اذعان به ناپایداری جهان و استیلای نااهلان و شکوه از اوضاع نا به سامان خطاب به او میگوید سرّ وحدت را به نااهلان نگو و از ناجنسان طلب بیغمی و خرسندی نکن زیرا عیسی (ع) بر اثر گفتار نااهلان از بالای دار به آسمان رفت و آدم (ع) با وسوسه شیطان از بهشت رانده شد.

۲) حضرت ابراهیم

به طفلی بت شکست از عقل در بتخانه دولت
برآمد اختر اقبال و دید و هم نشد رامش
بلی در معجز و برهان براهیم این چنین باید
کفنه صیدش کند اخترنه دامن گیرد اصنامش
(دیوان خاقانی ، ص ۴۴۹-ب ۷۰)

اشاره به : انبیا / ۵۸ و انعام / ۷۶ - واژه های اشاری : بت ، شکست، بتخانه ، اختر ، اصنام.
شاعر در ترکیب بندی در موعظه و نعت رسول اکرم (ص) و تخلص به مدح ناصر الدین ابراهیم ، از همنامی ممدوح با ابراهیم خلیل استفاده کرده و ضمن اشاره به مضمون آیات فوق ، ممدوح را در شکستن بت نفس و عدم پرستش اختر اقبال همپایه ابراهیم خلیل دانسته است.
(۳) حضرت اسماعیل

کلکش از بهر شرف محکوم تیغ آمد بلی مرتبت بفزود اسماعیل را تسلیم او
(دیوان خاقانی ، ص ۵۲۷-ب ۶)

اشاره به : صافات / ۱۰۲ - واژه های اشاری : تیغ ، اسماعیل ، تسلیم.
خاقانی در ترکیب بندی در مدح وحید الدین پسر کافی الدین عمر در ستایش کلک او معتقد است که تراشیدن قلمش موجب شرافت آن است ، هم چنان که اسماعیل (ع) نیز با تسلیم در برابر مشیت باری تعالی بر منزلتش افزوده گشت.

(۴) حضرت خضر

یک سهم تو خضر وار بشکافت هفتاد و سه کشتی ابران را
(دیوان خاقانی ، ص ۳۴-ب ۳)

اشاره به : کهف / ۷۱ - واژه های اشاری : خضر ، بشکافت ، کشتی .
شاعر در قصیده ای در تهنیت فتح روس و مدح ابوالمظفر جلال الدین شروانشاه اخستان بن منوچهر پس از ذکر شجاعت ها و دلاوریهای ممدوح و شکست و خذلان دشمنان ، او را بسان خضر نبی دانسته که تیر او کشتی های بسیاری از دشمن را در هم شکسته است.

(۵) حضرت داود

بافتن سیمان نه معجز باشد معجز داود بین که آهن باف است
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷-ب ۶)

اشاره به : سبا / ۱۱ - واژه های اشاری : بافتن ، معجز ، داود ، آهن.
خاقانی در یکی از قصاید خود مقایسه ای بین دو نفر به نامهای رستم و بهرام انجام داده و پس از ذکر معایب و محاسن آنان در پایان قصیده سخن را به خود میکشاند و ضمن تفاخر به شعر

خود و با الهام از آیه اشاره شده ، خود را همردیف داود و شعرش را معجزه ای در حد بافتن زره از آهن محسوب کرده است.

(۶) رسول اکرم (ص)

ور بر فلک سوار بر آید چو مصطفی
زین بر براق رفعت والا بر افکند
(دیوان خاقانی ، ص ۱۳۸-ب۶)

اشاره به : اسرا/ ۱- واژه های اشاری : فلک ، سوار ، مصطفی ، براق.

شاعر در ستایش نصره الدین ابوالمظفر اصفهید لیالواشیر در ضمن برشمردن افتخارات ممدوح ، ترک ادب شرعی نموده و معراجی را مشابه معراج رسول اکرم برای او متصور شده است.

(۷) حضرت سلیمان

مرا باد و دیو است خادم اگر چه
سلیمان نیم حکم خاتم ندارم
(دیوان خاقانی ، ص ۲۸۴-ب۹)

اشاره به : ص/ ۳۶- واژه های اشاری : باد ، خادم ، سلیمان ، حکم.

شاعر در قصیده ای در توصیف خود ضمن اعلام استغنا و بی نیازی از جهان و افتخار به داشته ها و توانمندیهایش ، همچون سلیمان نبی باد را در خدمت خود تصور نموده با این تفاوت که او سلیمان نیست و خاتم سلیمانی هم ندارد.

(۸) حضرت صالح

ناقه صالح از حسد مکشید
نباء وقعه جمل منهید
(دیوان خاقانی ، ص ۱۷۲-ب۱۶)

اشاره به : هود/ ۶۴- واژه های اشاری : ناقه ، صالح ، مکشید.

این بیت را خاقانی در قصیده ای با موضوع حکمت و موعظت آورده که در آن خطاب به امامان و عالمان اجل میگوید ناقه صالح را مکشید . او به تعریض میخواهد خطاب به آنان بگوید که کرامات و فضایل انسانهای بزرگ را نادیده نگیرید .

(۹) حضرت عیسی

خضم خواهد که شبه او گردد
شبه عیسی کجا رود بر دار
(دیوان خاقانی ، ص ۲۰۶-ب۴)

اشاره به : نساء/ ۱۵۷ - واژه های اشاری : شبه ، شبه عیسی ، دار.

یکی از ماجراهایی که در قصه قرآنی حضرت عیسی در مصحف شریف آمده ، شبهه مصلوب شدن آن حضرت است که به استناد نص صریح آیه ، این شبهه مردود دانسته شده است. خاقانی در قصیده ای در ستایش رکن الدین عالم ری ، ممدوح را همرتبه عیسی (ع) به شمار آورده که دشمن قصد دارد در فضل و کمال شبه او گردد ، حال آن که این امر ناممکن است و جز نابودی چیزی در انتظار خصم او نیست.

(۱۰) حضرت مریم

سخن در ماتم است اکنون که من چون مریم از اول

در گفتن فرو بستم به مرگ عیسی ثانی

(دیوان خاقانی ، ص ۴۱۵-ب ۱۱)

اشاره به : مریم/ ۲۶ - واژه های اشاری : مریم ، در گفتن فرو بستن، عیسی.

شاعر در قصیده ای در مرثیه امام ناصر الدین ابراهیم از ماجرای قرآنی روزه سکوت مریم به هنگام ولادت عیسی (ع) به امر حق تعالی بهره برده و سکوت خود را در سوگ ممدوح به سکوت مریم مانند کرده و خود را بسان مریم و ممدوح را بسان عیسی (ع) برشمرده است.

(۱۱) حضرت موسی

گر نیل روان شکافت موسی او دریای دمان شکافد

(دیوان خاقانی ، ص ۵۱۲-ب ۱۶)

اشاره به : شعرا/ ۶۳ - واژه های اشاری : نیل ، شکافت، موسی.

خاقانی در ترکیب بندی در مدح مظفر الدین قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز غلو نموده و قدرت اعجاز ممدوح را از موسی (ع) بیشتر دانسته تا جایی که معتقد است اگر موسی (ع) توانست به اعجاز نیل را از هم بشکافد ، او میتواند دریای خروشان را از هم بشکافد.

(۱۲) حضرت نوح

معصوم کی شوند ز طوفان لفظ من کز نوح عصمت الا فرزند و زن نیند

(دیوان خاقانی ، ص ۱۷۶-ب ۱)

اشاره به : هود/ ۴۵ و ۴۶ - واژه های اشاری : معصوم ، طوفان، نوح ، فرزند.

شاعر در قصیده ای در نکوهش اقران و حاسدان ، رقیبان و دشمنان خود را در ردیف زن و فرزند نافرمان نوح میداند که از طوفان سخنان او جان سالم به در نخواهند برد ، آن چنان که زن و فرزند نوح از طوفان الهی در امان نماندند. او در ضمن تشبیهی پنهان خود را به نوح نبی و حاسدان را به فرزند ناخلف او و اشعار خود را به طوفانی ویرانگر مانند کرده است.

(۱۳) حضرت هارون

پیش تخت خسرو موسی کف هارون زبان این منم چون سامری سحر از بیان انگبخته
(دیوان خاقانی ، ص ۳۹۸-ب ۴)

اشاره به : قصص / ۳۴ - واژه های اشاری : موسی ، هارون ، زبان ، بیان.

یکی از مسائل مرتبط با حضرت هارون (ع) سخنوری و زبان آوری ایشان بوده تا جایی که موسی (ع) از خداوند میخواهد که در امر خطیر دعوت فرعون به سوی خدا ، برادرش هارون را که از او زبان آورتر است ، با او همراه سازد. شاعر در قصیده ای در مدح ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ، به شکلی پنهان ممدوح را در بخشندگی به موسی (ع) و در زبان آوری به هارون (ع) تشبیه کرده و خود را نیز در بیان ساحرانه در مقابل ممدوح بسان سامری قلمداد کرده است.

(۱۴) حضرت هود

او هود ملت آمد و بر عادیان فتنه الا سپاه هیبت او صرصری ندارم
(دیوان خاقانی ، ص ۲۸۰-ب ۱۱)

اشاره به : حاقه / ۶ - واژه های اشاری : هود ، عادیان ، فتنه ، صرصر.

شاعر در قصیده ای در مدح عظیم الروم عزالدوله قیصر ، ممدوح را با هود نبی (ع) و دشمنان خود را با قوم عاد هم تراز شمرده که در برابر فتنه آنان جز هیبت و قدرت ممدوح سپاه دیگری ندارد.

(۱۵) حضرت یوسف

نظارگان مصر ببرند دست از آنک یوسف نقاب طلعت غرّاً بر افکند
(دیوان خاقانی ، ص ۱۳۸-ب ۱۴)

اشاره به : یوسف / ۳۱ - واژه های اشاری : نظارگان مصر ، ببرند ، دست ، یوسف.

یکی از جذابترین بخشهای قصه یوسف (ع) در قرآن ماجرای دست بردن زنان مصر به هنگام مشاهده جمال الهی یوسف است. شاعر با اشاره به این موضوع ، ممدوح یعنی نصره الدین ابوالمظفر اصفهید لیاواشیر را در جمال و کمال به یوسف و مردمان را به نظارگان مصر مانند دانسته که پس از آشکار شدن جمال او مردم اختیار از کف میدهند.

(۱۶) حضرت یونس

ماهی نهنگ وار به حلقش فرو برد چون یونسش دوباره به صحرا برافکند
(دیوان خاقانی ، ص ۱۳۶-ب ۴)

اشاره به : صافات/ ۱۴۲ و ۱۴۵ - واژه های اشاری : ماهی ، به حلق فرو بردن ، یونس ، به صحرا افکندن.

جدول شماره ۱

ترکیب	صفحه دیوان	سوره / آیه	ترکیب	صفحه دیوان	سوره / آیه
ابن الله	۳۷۰-۵۹۴ ۸۸۵	توبه / ۳۰	رب هب لی	۲۱۰- ۲۴۷	شعرا / ۸۳
احسن تقویم	۵۰-۴۱۲	تین / ۴	رسول الله	۹-۴۴۸	فتح / ۲۹
ارجعی	۲۹	فجر / ۲۸	رفیع الدرجات	۷۵۴	غافر / ۱۵
الاسماء الحسنی	۳۸۱	طه / ۸	روح الامین	۳۳۴-۵ ۳۵۲- ۴۵۶ ۵۲۲	شعرا ۱۹۳ /

اصحاب الفيل	٣٧١ - ٢٦٣	فيل / ١	روح القدس	٢٦٠١٧٠٥ ٠٧٠٠٢٨٠ ٣٢١٠٣١١ ٠ ٣٣٥ ٣٩٩٠٣٧١ ٠ ٥٢٠ ٥٦٠	نحل ١٠٢ /
اصحاب الكهف	١٢ - ٢٤٦ ٢٤٩ - ٣٠٠ ٩٣٢	كهف / ٩	روح الله	٢٣	يوسف ٨٧ /
اطعنا	٢٥ - ١٣٨ ٣٨٦	بقرة / ٢٨٥	ريح صرصر	٨٥٥	حاقه / ٦
الافق الاعلى	٦	نجم / ٧	سحر مبين	٢٤٢	احقاف ٧ /
ام القرى	٢٨٩	شورى / ٧	سمعنا	١٣٨	بقرة / ٢٨٥
انا الله	٢٢٥ - ٢٣٤ ٢٤٧	نمل / ٩	الشجر الاخضر	١٨٠	يس / ٨٠
انى جاعل فى الارض	٣٧٣	بقرة / ٣٠	شر الدواب	١٥٨	انفال / ٥٥
او هن البيوت	٩٢٥	عنكبوت / ٤١	شياطين الانس	٣٢٨	انعام / ١١٢
بضاعه مزجاء	٩٢٥	يوسف / ٨٨	ظلمات ثلاث	١٩٦	زمر / ٦
بيت معمور	١٩٥ - ٢٥٤	طور / ٤	عباد الله	٨٣٣	صافات ١٦٩ /

جاء الحق	٢٤٨	اسرا / ٨١	العرش المجيد	٧٣ - ٦١٦	بروج / ١٥
جاء نصر الله	٢٣٥ - ٢٧١	نصر / ١	العروه الوثقى	٣٠٤	بقره / ٢٥٦
جنات عدن	١٧٦	ص / ٥٠	قاب قوسين	١، ٢٢٨، ٢٤٧، ٣٣٧، ٤٤٨، ٤٩٤	نجم / ٩
جنه المأوى	٩٧ - ١٠٣ - ٢٤٧ - ١٣٧	نجم / ١٥	قالوا بلى	٩	اعراف / ١٧٢
جنت نعيم	٦٢٩	واقعه / ٨٩	قد افلح	٥٠ - ٤٢٥	شمس / ٩
حبل الله	١٠٠	آل عمران / ١٠٣	قد خاب	٥٠ - ٤٢٥	شمس / ١٠
حبل الوريد	١٤	ق / ١٦	قد صدقت	٣١٠	صافات / ١٠٥
حسبى الله	٣١٨	توبه / ١٢٩	قل هو الله	٣٩٤	اخلاص / ١
حزب الله	٢١٨	مائده / ٥٦	كرمنا	٣٢٥	اسرا / ٧٠
حسن المآب	٤٧	آل عمران / ١٤	كن	٣٨١	يس / ٨٢
حماله الحطب	٧٥٦	مسد / ٤	لا اقسم	٨٤٥	بلد / ١

حور عین	۳۳۵ - ۵۲۲	واقعه / ۲۲	لاتدرکه الابصار	۸۹۱	انعام / ۱۰۳
خشیه املاق	۲۳۶	اسرا / ۳۱	لا تقنطوا	۲۹	زمر / ۵۳
دار السلام	۱۸۸ - ۵۲۳	یونس / ۲۵	لما قضی	۲۲	احزاب / ۳۷
دار القرار	۷۶۷	غافر / ۳۹	لوح محفوظ	۸۱۵	بروج / ۲۲
دنی فتدلی	۲۴۷	نجم / ۸	ماء حمیم	۱۴۲	محمد / ۱۵
راعنا	۸۱۰	بقره / ۱۰۴	ماء معین	۳۳۶	ملک / ۳۰
ربنا ارنا	۱۰	فصلت / ۲۹	مالک الملک	۸۷۵	آل عمران / ۲۶
نار الله	۳۱۷ - ۴۴۱	همزه / ۶	مستغفرین بالاسحار	۱۹۸	آل عمران / ۱۷
نسوا الله	۲۴۹	حشر / ۱۹	منطق الطیر	۴۱۹ - ۴۵۹	نمل / ۱۶
نعم الوکیل	۱۷	آل عمران / ۱۷۳	والتین	۸۶۱ - ۸۷۹	تین / ۱

شایان یادآوری است که رابطه بینامتنی اشاره ای (تلمیحی) دارای بالاترین بسامد در شعر خاقانی است. نمونه های ذکر شده در حقیقت قطره ای از دریاست که از ذهن خلاق و توانمند

خاقانی برون تراویده و ما به دلیل محدودیت از این گنجینهٔ پر بار فقط یک مورد از هر مجموعه تلمیحات را بیان کردیم ، حال آن که خاقانی در هر زمینه به ویژه قصص قرآن حق مطلب را به خوبی ادا کرده و ناگفته ای را باقی نگذاشته است.

۵-۱-۲- رابطهٔ بینامتنی جزئی

در این نوع رابطه « شاعر با تکیه بر متن مورد اقتباس بخشهایی از عبارات ، جمله ها ، شبه جمله ها و ... را از آن برش میزند و در بافت متن خویش به کار میبندد. البته در مواردی نیز این فرایند به صورت ناخودآگاه رخ میدهد » (اشکال التناص الشعری شعر البیاتی نمودجا ، ۲۰۰۷م : ۶۷) . این نوع رابطهٔ بینامتنی در شعر خاقانی بسامد بسیار دارد که به نمونه هایی از آن اشاره میشود و به دلیل تنگی جا و فراوانی موارد به شکل جدول ارائه میگردد.

۵-۱-۳- رابطهٔ بینامتنی اسلوبی و سبکی

در این نوع رابطه ، «شاعر ساختار بیانی - زبانی متن غایب را سرمشق خویش قرار داده ، سخن خود را بر ساخت و بافت آن طرح ریزی مینماید.» (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، ۱۳۸۵ : ۷۰) . رابطهٔ بینامتنی اسلوبی و سبکی شامل موارد زیر میشود:

الف) کاربرد واژگان و ترکیبات متقابل و متضاد قرآنی:

بر لوح فرشته نامش ایام جز بانوی انس و جان ندیدست
(دیوان خاقانی ، ص ۷۲ ، ب ۱۶ ، ماخوذ از الرحمن ، ۳۹)
خاقانی در قصیده ای در مدح خاقان کبیر ابوالمظفر اخستان و ملکه صفوه الدین در ابیات پایانی ممدوح خود یعنی ملکه صفوه الدین را آن چنان والا مقام برشمرده که فرشته در دفتر ایام نام او را بانوی انس و جان نهاده است. در این بیت شاعر با تکیه بر شیوهٔ بینامتنی سبکی و اسلوبی دو لفظ متضاد انس و جان را برای بیان مقصود برگزیده است.

چون زر سرخ سپهر سوی ترازو رسید راست برابر بداشت پلهٔ لیل و نهار
(دیوان خاقانی ، ص ۱۸۳ ، ب ۱۲ ، ماخوذ از انبیاء ، ۳۳)
شاعر در قصیده ای در ستایش ملک الوزرا زین الدین دستور عراق این بیت را در توصیف اول فصل پاییز که روز و شب از نظر زمانی با هم برابر هستند ، سروده که لفظ میزان بیانگر ماه مهر

و اول پاییز است که خورشید همچون طلای سرخ رنگی در آسمان میدرخشد و ساعات روز و شب را با هم برابر میکند. دو کلمه متضاد لیل و نهار بر اساس رابطه اسلوبی و سبکی همچون قرآن مجید در کلام شاعر جلوه گر شده اند.

ولی و خصم تو مخصوص جنت و سقرند که این ندای قد افلح شنودوآن قد خاب
(دیوان خاقانی ، ص ۵۰-ب ۲)

خاقانی در قصیده سوگندنامه و ستایش رضی الدین ابونصر نظام الملک وزیر شروانشاه ، در ضمن لف و نشر زیبایی دوست ممدوح را لایق بهشت و دشمن او را سزاوار دوزخ دانسته و علاوه بر دو واژه متضاد قرآنی جنت و سقر ، دو فعل متضاد قرآنی قد افلح و قدخاب را نیز در بیت استعمال نموده است.

ب) تاثیر پذیری از اسلوب قرآن کریم در پرداختن به قصص و رویدادهای پیامبران و گذشتگان: از خصوصیات بارز قرآن مجید بیان چند داستان از قصص پیامبران و اقوام پیشین به صورت گذرا و اشاره در چند آیه از یک سوره است. نمونه های زیر حاکی از این امر است :

- ذکر نام و اشاره به حضرت نوح ، ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون ، سلیمان و داود در آیات ۱۶۳ تا ۱۶۵ سوره نساء.

- ذکر داستان حضرت نوح ، ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، موسی ، هارون ، لوط و یونس در آیات ۷۵ تا ۱۴۷ سوره صافات.

- ذکر داستان حضرت موسی و فرعون ، نوح ، هارون ، عیسی و ... در آیات ۲۰ تا ۵۰ سوره مومنون.

خاقانی نیز با تاسی به این شیوه قرآنی گاه نام چندین پیامبر را در یک مصرع یا یک بیت آورده است.

نوح خلیل حالتی، خضر کلیم قالتی احمد عرش هیبتی، عیسی روح منظری
(دیوان خاقانی ، ص ۴۳۰ ، ب ۱۲)

مشاهده میشود که در بیت فوق نام حضرت نوح ، ابراهیم ، خضر ، موسی ، رسول اکرم (ص) و عیسی پیپی آمده که یادآور یکی از اسالیب قرآن مجید است.

صدر براهیم نام راد سلیمان جلال خواجه موسی سخن مهتر احمد سخا

(دیوان خاقانی ، ص ۳۵ ، ب ۸)

شاعر نام حضرت ابراهیم ، سلیمان ، موسی و محمد (ص) را در یک بیت با هم آورده است. البته این نکته شایان ذکر است که لفظ براهیم (ابراهیم) هم نام ممدوح است یعنی خواجه امام ناصر الدین ابراهیم و هم اشاره ای است به ابراهیم خلیل الله و ایهام زیبای موجود در بیت قابل انکار نیست.

ادریس و جم مهندس، موسی و خضر بنا روح ملک مزوق نوح لمک دروگر
(دیوان خاقانی ، ص ۱۹۳ ، ب ۵)

علاوه بر ذکر نام پیامبران در یک بیت یا یک مصراع به شیوه قرآنی ، شاعر گاه در یک قصیده در چندین بیت پیاپی یا جدا از هم به ذکر معجزات پیامبران و قصص قرآن نیز پرداخته است.

(۱) او در قطعه ای در ستایش اقصی القضاة عز الدین بو عمران در صفحه ۸۵۷ دیوان خود در

۵ بیت پراکنده به برخی معجزات حضرت موسی و رسول اکرم (ص) اشاره کرده است.

(۲) به هنگام ممانعت از ورود او به خراسان قصیده ای سرود که در ۳ بیت آن به ماجرای چشمه

خضر ، بالا رفتن حضرت عیسی به آسمان و نفس مسیحایی او و ماجرای ابرهه و اصحاب فیل و هجوم به مکه اشاره دارد.

(۳) ضمن ترکیب بندی که در دوران کودکی در مرثیه خواجه ابوالفارس گفته ، در بند چهارم

طی ابیاتی به داستان گم شدن حضرت یوسف و نام سلیمان و نوح و ماجرای به آسمان رفتن عیسی اشاره کرده است.

۵-۱-۴- رابطه بینامتنی الهامی و مفهومی

در این نوع رابطه بینامتنی « شاعر مایه اصلی سخن خویش را از مفهوم و یا نکته ای اخذ میکند و در پردازش سخن به گونه ای عمل مینماید که خواننده آگاه به متن غایب پس از خواندن آن پیوند مفهومی و مضمونی میان زیر متن و زبر متن را احساس نماید. در قرآن کریم این الهام گیری گاه از چند آیه یا یک آیه و یا بخشی از آیه صورت میگیرد. در این نوع ، اشاره آشکار و صریحی به متن غایب نمیشود » (اشکال التناسل الشعری شعر البیاتی نموذجاً ، ۲۰۰۷ م : ۷۲-۷۳). خاقانی در جایهای بسیاری جانمایه ها و مضامین شعرش را از قرآن کریم الهام گرفته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره میشود.

داورم کی دست فرماید برید کاآنچه دزدیدم همان خواهم فشاند
(دیوان خاقانی ، ص ۱۴۱-ب ۱۹ ، ملهم از مائده ، ۳۸)
خاقانی در قصیده ای در جواب مجد الدین خلیل که سه قطعه در مدح او گفته بود ، اقرار میکند
که هر چه در جواب مجد الدین میگوید در حقیقت گوهرهایی از کلک اوست که طبع خاقانی آن
را دزدیده است. با این حال شاعر معتقد است که خداوند بر خلاف حکم قرآن دست او را نخواهد
برید زیرا در نهایت خاقانی هر آن چه را از کلک و طبع مجد الدین دزدیده ، به او پس خواهد
داد.

اگر ذات تو یزدان وار فیض فضل مبارد ضمیرم نیز نحل آسا شفای جان میافزاید
(دیوان خاقانی ، ص ۴۵۰-ب ۱۰ ، ملهم از نحل ، ۶۹)
شاعر در ترکیب بندی در مدح ناصر الدین ابراهیم به مفهوم آیه مذکور مبنی بر شفاعت بودن
عسل اشاره میکند و ذهن و ضمیر خود را مانند زنبور دانسته که سخنی چون عسل شیرین و
شفابخش از آن صادر میشود.

برو نخست طهارت کن از جماع الاثم که کس جنب نگذارند در جناب خدا
(دیوان خاقانی ، ص ۱۳-ب ۵ ، ملهم از نساء ، ۴۳)
پس از خواندن آیه در مییابیم که بیت مذکور در حقیقت برداشتی از یک بخش یک آیه طولانی
است که شاعر برای بیان مقصود خود مفهوم آن یعنی عدم جواز ورود فرد جنب به مسجد و
ممنوعیت ادای نماز در این حالت را در کلام آورده است.

اندر حریم کعبه حرام است رسم صید صیاد دست کوتاه و صید ایمن از شرش
(دیوان خاقانی ، ص ۲۱۹-ب ۷ ، ملهم از مائده ، ۹۵)
شاعر در قصیده باکوره الاسفار و مذکوره الاسحار که آن را بر در کعبه انشا کرده بود و آن را به
آب زر نوشتند ، در وصف مناسک حج از مفهوم آیه ۹۵ سوره مائده در شعر خود استفاده نموده
است.

چنانکه از دیت خون بود حیات دوباره دوباره عمر شمارم که یابم از تو جدایی
(دیوان خاقانی ، ص ۶۹۵-ب ۱۳ ، ملهم از بقره ، ۱۷۹)

شاعر در غزلی خطاب به معشوق میگوید که همان گونه که با قصاص گویی حیات دوباره ای ایجاد میشود ، من نیز جدایی از تو را همچون مرگ میشمرم تا به واسطه آن عمری دوباره بیابم.

۵-۱-۵- رابطه بینامتنی واژگانی

در این شیوه « شاعر و یا نویسنده در بکارگیری برخی واژه ها و فعلها و ترکیبها وامدار متنی و یا اثری دیگر است.» (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، ۱۳۸۵ : ۱۵) که در آن این واژگان بسیار پر بسامد است ، بگونه ای که میتوان آن واژه ها را مختص متن غایب یا همان پیش متن دانست ، بعنوان مثال گفته شود فلان واژه از الفاظ قرآنی است. شعر خاقانی لبریز از الفاظ قرآنی است که به نمونه هایی از آنها اشاره میشود.

گاه خاقانی در این نوع رابطه بینامتنی نام سوره های قرآن کریم را در بافت کلام خود به کار برده است. مانند ابیات زیر :

پس از الحمد و الرحمن والكهف پس از یاسین و طاسین میم و طاهها
(دیوان خاقانی ، ص ۲۵ ، ب ۹)
شاعر در قصیده ای در شکایت از حبس و مدح عظیم الروم عزالدوله قیصر و برای اعلام براءت از رویگردانی از دین اسلام و گرایش به دین یهود ، میگوید که ناممکن است که او پس از خواندن سوره های حمد و الرحمن و الکهف و یاسین و قصص و طه دین اسلام را رها کند و به کیش دیگری روی آورد.

زکات دست تو توفیر سوره الانفال سفیر جان تو عنوان سوره الاحزاب
(دیوان خاقانی ، ص ۴۹ ، ب ۱۵)
شاعر در سوگندنامه و ستایش رضی الدین ابونصر نظام الملک وزیر شروانشاه ، بخشش ممدوح را مصداقی از سوره انفال و جان او را همچون سوره احزاب متصور شده است.

علاوه بر نام سوره ها ، نام کتب مقدس نیز از جمله الفاطی است که خاقانی بر پایه رابطه بینامتنی واژگانی در شعر خود به مناسبتها گوناگون و برای بیان ما فی الضمیر خود بهره برده است. از میان کتب مقدس نام قرآن در شعر خاقانی از بسامد بالاتری برخوردار است.

عذر من بین در آخر قرآن حرف الناس را مکن انکار
(دیوان خاقانی ، ص ۲۰۷ ، ب ۶)

البته خاقانی در ۱۶ مورد در صفحات ۵۰، ۹۱، ۱۵۳، ۲۰۷، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۹۷، ۳۰۴، ۳۷۰، ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۸۸، ۹۰۰ و ۹۳۴ از لفظ قرآن استفاده کرده که برای جلوگیری از اطالۀ کلام از ذکر دیگر ابیات خودداری شد.

گر بر دلم زبـور بخوانند نشنود کانجیر مرغش از لب انجیل خوان اوست
(دیوان خاقانی، ص ۵۶۴، ب ۱۳)

پس از قرآن به واسطۀ عیسوی بودن مادر خاقانی، نام کتاب انجیل نیز چندین بار در میان کلام شاعر جلوه گر شده است. جز نمونۀ ذکر شده در صفحات ۲۵، ۲۸۱، ۳۹۳، ۴۳۵ و ۴۷۵ نیز نام کتاب انجیل در دیوان خاقانی مشهود است.

صبح از نم ژاله اشک داود بر مرغ زبور خوان فرو ریخت
(دیوان خاقانی، ص ۵۰۷، ب ۹)

نام کتاب زبور فقط دو بار در شعر خاقانی آمده است. علاوه بر بیت مذکور در صفحۀ ۵۶۴ دیوان شاعر نیز لفظ زبور به کار رفته است. نام کتاب تورات هم اصلا در شعر خاقانی نیامده است.

• سایر کلمات قرآنی:

علاوه بر نام سوره ها و نام کتب آسمانی، برخی الفاظ قرآنی هستند که به تنهایی در کلام شاعر پایگاه و جایگاه یافته اند. در این بخش برای جلوگیری از اطالۀ کلام فقط به ذکر برخی کلمات قرآنی و صفحاتی از دیوان که این الفاظ در آنها مندرج هستند، بسنده میکنیم.

جدول شماره ۲

لفظ قرآنی	صفحه	لفظ قرآنی	صفحه
جنت	۴۶، ۵۰، ۷۱، ۲۲۹	رضوان	۲۹، ۵۳، ۱۷۶، ۴۳۲، ۵۹۴
زقوم	۲۱۶	سقر	۵۰، ۹۰۰
شهاب	۳۴، ۸۲، ۱۵۷، ۳۲۸	شیطان	۱۵۷، ۲۰۹، ۲۶۱، ۳۱۳، ۳۲۵، ۴۰۴

کوثر	۴۴۱ ، ۲۱۶	نطفه / مضغه	۱۵۳
الست / بلی	۳۶	زبانیه	۸

۵-۱-۶- رابطه بینامتنی کامل متنی

در این نوع رابطه بینامتنی ، « تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقا همان متن اصلی بدون افزایش و یا کم و کاست در سیاق اولیه و اصلیش توسط آفریننده متن حاضر (پسا متن) به کار میرود. خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصراع یا یک قصیده و یا جمله ای نثری » (اشکال التناص الشعری ۱۹۹۸م : ۶۱). به عقیده محمد راستگو این نوع رابطه بینامتنی در حقیقت همان اقتباس و تضمین بدون ذکر مرجع کلام ذکر شده است که در آن عبارتی از قرآن ، شعر ، نثر و یا هر اثر دیگر بی هیچ درگرگونی و یا مقداری تغییرات بسیار اندک با اهدافی مانند غنا بخشی به کلام، تبرک ، تبیین ، توضیح ، تعلیل ، تشبیه ، تحذیر ، تزیین ، استناد ، نکته پردازی و ... در میان کلام جای داده شود (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، ۱۳۸۵ : ۳۰). البته قابل ذکر است که بروز برخی تغییرات جزئی در پسا متن که به ساختار معنایی و مفهوم دلالتی کلام خللی وارد نمیسازد ، جایز است. این نوع رابطه بینامتنی در شعر خاقانی اندک است .

برو که روز اذا الشمس کورت بینام بنات نعلش فلک را بریده موی و مصاب
(دیوان خاقانی ، ص ۵۳-۴ ، ماخوذ از تکویر ، ۱)
شاعر در سوغنامه و مدح رضی الدین ابونصر نظام الملک وزیر شروانشاه از روز قیامت با تعبیر زیبای روز اذا الشمس کورت یاد کرده که در آن روز حتی ستارگان آسمان همچون دختران داغدیده در سوگ ممدوح گیسو بریده و مصیبت زده هستند.

آن شاهد لعمرک و شاگرد فاستقم مخصوص قم فانذر و مقصود کن فکان
(دیوان خاقانی ، ص ۳۱۰-۱۳ ، ماخوذ از مدثر ، ۲)
شاعر در قصیده ای در مدح پیغمبر اکرم (ص) ضمن بر شمردن چهار فضیلت برای حضرتش ، به شیوه کامل متنی آیه ۲ سوره مدثر را در بافت سخن خود گنجانده است.

اینست جهل ار فضلہ گوی جعل بر ند مدهامتان خواهم فشاند
(دیوان خاقانی ، ص ۱۴۲ ، ب ۱۶ ، ماخوذ از الرحمن ، ۶۴)

خاقانی در بیت فوق در جواب مجد الدین خلیل که سه قطعه در مدح خاقانی گفته بود ، بر سبیل استعاره سخن خود را فضله گوی جعل و سخن مجد الدین خلیل را ند مدهامتان خوانده و بر اساس شیوه کامل متنی آیه ۶۴ سورة الرحمن را در متن شعر خود آورده است.

سر آزاده را جهان دو رنگ رنگ مدهامتان نخواهد داد
(دیوان خاقانی ، ص ۱۶۷ ، ب ۱۲ ، ماخوذ از الرحمن ، ۶۴)

۵-۱-۷- رابطه بینامتنی کامل تبدیلی

در این نوع رابطه بینامتنی «شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک مصراع یا یک بیت یا یک قصیده و یا عبارت نثری) تکیه دارد.او این متن را از سیاقش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختار شکنی های ساده و یا پیچیده همچون کم و زیاد نمودن ، مقدم و موخر نمودن اجزاء ، تغییر زمان و صیغه افعال تبدیل جملات انشایی به خبری و بر عکس ، آن متن را در بافت متن شعری خویش مینهد و از آن در جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره میبرد» (اشکال التناص الشعری شعر البیاتی نمودجا ، ۲۰۰۷م : ۶۴) . در شعر خاقانی این نوع رابطه بینامتنی کمترین بسامد را دارد.

• پسامتن (زبر متن ، متن حاضر)

مرا به منزل الا الذین فرود آور فرو گشای ز من طمطراق الشعراء
(دیوان خاقانی ، ص ۱۰-ب۵)

اگر چه نام من اندر حساب و الشعراست ز مدحت تو به الا الذین سزاوارم
(دیوان خاقانی ، ص ۲۸۸-ب۱)

• پیش متن (زیر متن - متن غایب)

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعرا/۲۲۴) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعرا/۲۲۷)

همانطور که در آیات دیده میشود لفظ الشعراء مقدم بر عبارت الا الذین است اما خاقانی با تکیه بر رابطه بینامتنی کامل تبدیلی آنها را در شعر خود جا به جا نموده و با ظرافت بی سابقه ای بر اساس

نص صریح قرآن خود را به عنوان یک شاعر فردی گمراه کننده دانسته و از خداوند خواسته تا او را از زمره شاعران خارج نموده و در در جرگه مومنان و نیکوکاران جای دهد.

■ پسامتن (زیر متن ، متن حاضر)

انت فیهم ز نبی خوانده و ماکان الله
که عذاب از پس ماکان به خراسان یابم
(دیوان خاقانی ، ص ۲۹۸-ب ۴)

■ پیش متن (زیر متن - متن غایب)

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳)

شاعر در این بیت نیز تقدیم و تاخیری در ترتیب اجزای آیه انجام داده و عبارت انت فیهم را پیش از عبارت ما کان الله آورده است. او در ستایش خراسان و تمنای وصول به آن و مدح امام محمد بن یحیی ، نهایت بهره را از این آیه برده و ممدوح را در جایگاه نبی اکرم (ص) و خراسان را در مرتبه مدینه النبی قرار داده و مدعی شده است که همانگونه که خداوند مردم مدینه را به خاطر وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت عذاب نکرد ، خراسان و مردمش را نیز به خاطر وجود ممدوح عذاب نخواهد کرد.

○ پسامتن (زیر متن ، متن حاضر)

ز آن نفس استوی زنند علی العرش
کز بر عرش آمد استوای صفاهان
(دیوان خاقانی ، ص ۳۵۴-ب ۳)

○ پیش متن (زیر متن - متن غایب)

«الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه/۵)

با توجه به سیاق آیه متوجه تقدم و تاخر اجزای آن میشویم که خاقانی با تکیه بر رابطه بینامتنی کامل تعدیلی از آن سود برده و در قصیده ای در مدح اصفهان کار را بدانجا رسانده که استوای صفاهان را بالاتر از عرش دانسته و گویا با حسن تعلیلی بی سابقه قصد دارد علت استوی علی العرش را برتری استوای صفاهان قلمداد کند. البته جناس تام بین استوی (استیلا یافت) و استوا (خط استوا) را نیز نباید از نظر دور داشت.

۶- نتیجه گیری

در جستار حاضر تاثیر آیات قرآن بر شعر خاقانی مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت و روابط بینامتنی میان این دو بررسی شد. از نظر کمی قرآن مجید حضور پررنگ و موثری در اشعار خاقانی به ویژه قصاید او دارد. از میان روابط بینامتنی در درجه اول بینامتنی اشاره ای (تلمیحی) به دلیل آزاد بودن شاعر در پردازش مطلب و تعدد و تنوع موضوعات و قصص قرآنی بیشترین بسامد را داراست. پس از آن بینامتنی جزئی که به نوعی همان اقتباس است، از بسامد بسیار بالایی برخوردار است که به نوبه خود نمایانگر وسعت دانسته های قرآنی و احاطه فراگیر و آشنایی عمیق خاقانی با زبان عربی است. علاوه بر اینها دیگر روابط بینامتنی الهامی (مفهومی)، واژگانی، اسلوبی (سبکی)، کامل متنی و تعدیلی اگرچه حضور کم رنگتری دارند اما این به معنای عدم استفاده خاقانی از این روابط بینامتنی نیست چرا که خاقانی به تمام شیوه های ممکن دست یازیده تا طراز قرآن را بر قامت شعر خویش بنشانند و به حق باید گفت در این مهم تا بالاترین درجه ممکن پیروز بوده است. از نظر فنی از یک سو به دلیل توان بسیار بالای شعر سرایی و از سوی دیگر آشنایی کامل با زبان عربی و قرآن کریم توانسته در حد وسیع و به اشکال گوناگون از مضامین، رویدادها و قصص قرآنی برای تصویر سازیهای شاعرانه و القای مقاصد خود بهره کافی را ببرد. در میان بخشهای متعدد دیوان کامل او که شامل قصاید، ترکیبات، غزلیات، قطعات، رباعیات، قصاید کوچک و اشعار عربی است، بیشترین رابطه بینامتنی شعر او با قرآن کریم در بخش قصاید بویژه قصاید مدحی صورت گرفته است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اشکال التناس الشعری، مجلد، احمد، منشورات اتحاد الکتاب العرب، دمشق، ۱۹۹۸ م.
- ۳- تجلی قرآن و حدیث در شعر پارسی، راستگو، محمد، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- ۴- تحلیل الخطاب الشعری - استراتیجیه التناس، مفتاح، محمد، الدار البيضاء، بیروت، ۱۹۹۲ م.
- ۵- ثری تا ثریا، ماهیار، عباس، انتشارات جام گل، کرج، ۱۳۸۸.
- ۶- دیوان خاقانی، تصحیح سجادی، ضیاء الدین، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۹۱.
- ۷- النص الغائب - تجلیات التناس فی الشعر العربی، عزام، محمد، منشورات اتحاد الکتاب العرب، ۲۰۰۲ م.
- ۸- اشکال التناس الشعری شعر البیاتی نموذجاً، حلبی، احمد طعمه، مجله الموقف الادبی، العدد ۴۳۰، صص ۶۰-۸۳، ۲۰۰۷ م.